



## مقاله پژوهشی

## باستان‌شناسی شهری، ضرورت‌ها و اولویت‌ها

## شناسایی و برنامه‌ریزی نمودهای فرهنگ مادی و میراث فرهنگی شهر

مهرداد ملک‌زاده

حوزه معاونت فناوری و کاربردی‌سازی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

اطلاعات مقاله:

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰ انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

پست الکترونیک نویسنده مسئول: saeed.zokaei@gmail.com

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

## مقدمه

ذهن ما هنوز هم چیرگی دارد. باستان‌شناسی و شهر؟ باستان‌شناسی و زندگی امروزی؟ در بهترین حالت، اگر در شهری (مثلاً: تهران) در جایی (مثلاً: خیابان مولوی) اثری و آثاری از زندگی دیرین (مثلاً: بقایای استخوانی گورخفته‌ای چند هزار ساله) یافت گردد، موضوع باستان‌شناسی شهری پنداشته و شمرده می‌شود، در حالی که آن یافته فقط یافته‌ای در قلمرو باستان‌شناسی در شهر است و نه باستان‌شناسی شهری.

\*\*\*

باستان‌شناسی در یکی از تعاریف امروزیه خود از شاخه‌های دانش مادر، انسان‌شناسی، محسوب است، که به پژوهش درباره گذشته انسانها برپایه بقایای مادی برجای مانده از آنها می‌پردازد. در واقع این رشته علمی همچون واسطی میان رشته‌هایی دیگری چون تاریخ و انسان‌شناسی و مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و جز آن، در تلاش شناخت انسان و زیرساختهای جوامع انسانی برپایه یافته‌های ملموس و سیر تحول و تطور آن یافته‌هاست، و برای نیل به اهداف خود از کنشها و روشهایی میدانی و نامیدانی سود می‌جوید که آن را از دیگر به‌اصطلاح علوم انسانی متمایز می‌کند.

باستان‌شناسی شهری با باستان‌شناسی اجتماعی در پیوند نزدیک است. کالبد شهر در مقام جسمیتی مادی از مناسب‌ترین بوده‌های باستان‌شناختی محسوب است و منبع آگاهیهای ارزشمندی درباره گذشته جوامع انسانی است. شهر افزون بر جسمیت مادی خود و شاکله‌ای که از برهم‌کنش خواسته‌ها و

دیر آمدی.

آش سرد شد.

سار از درخت پرید.

خرابه‌های ری نزدیک تهران است!

گنج؟! اینجا اونم وسط خیابون؟

خدا عقلت بده، برو تو بیابون!

نمونه‌های بالا، گزینش فقط دو مورد از درک خواص و عوام ایرانیان معاصر درباره آن چیزی است که شاید بتوان فهم باستان‌شناسی شهری نامیدش؛ گفتاورده نخست، بخشی از کتاب درسی دستور زبان فارسی دبیرستان در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ در آموزش جمله خبری است، که گویا به دلیل شباهت ناگزیر ظاهری‌اش با برخی نمونه‌های شعر سپید تا سالها نزد دانش‌آموزان آن دهه‌ها زبازند بوده و خوانده می‌شده؛ و دومی بیتی عامیانه است که در این چند دهه واپسین، گهگاه به‌مناسب و بی‌مناسبت، نقل و نقل جمعهای دوستانه می‌بوده. در هر دو مورد ما با درک نادرستی از مفهوم مقوله میراث فرهنگی مواجهیم؛ در مورد نخست آنچه در کنار شهر تهران امروزی افتاده است، آثار تاریخی ری باستان نیست، بلکه خرابه است و در مورد دوم کسی که در خیابان (لابد یعنی نماد زندگی شهری) در جستجوی گنج (لابد یعنی نماد آثار باستانی) باشد لاجرم بی‌عقل است و برای آن کار باید به بیابان برود! چنین نگرشی کمابیش بر

عناصر شهری زندهٔ امروزی است. آثار و بقایای باستان‌شناختی در محوطه‌های شهری کنونی غالباً زیر تأسیسات معاصر مدفون است، و کار کاوش و خاکبرداری به همین دلیل بسیار مشکل است. همچنین عملیات خاکبرداری در هر اندازه (چه محدود و چه گسترده) با زندگی در حال جریان مردم و اهالی شهر و محله و کوی و برزن مواجه می‌شود. افزون بر آن در شهرهایی که از تاریخ درازی برخوردارند به علت حجم بسیار بالای کند و کاوها، پی‌کنیها، چاهها و دیگر اقدامات عمرانی در زمانهای دور یا نزدیک عملاً لایه‌های تاریخی و فرهنگی گسستگیهای بزرگی دارند و لایه‌نگاری آنها بسیار تا بسیار پیچیده است.

در بسیاری از کشورها هم قوانین میراث فرهنگی و رابطهٔ آنها با قوانین شهری بسیار دست‌وپاگیر و مشکل‌ساز هستند. این قوانین در بیشتر مواقع از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. برخی از مراکز شهری برنامه‌های خاصی برای نگهداری و بازسازی منابع باستان‌شناختی دارند. برای مثال در انگلستان به طور تاریخی سنتاً تلاش شده تا بین برنامه‌های رشد و توسعهٔ شهری و حفاظت از میراث باستان‌شناختی موازنه‌ای برقرار شود. مهندسان فرهنگی با مهندسان شهری در تعامل مستقیم هستند و دستاورد آن رسیدن به نقطه‌ای که ضمن تأکید بر اهمیت و ارزش موارث تاریخی مشکلی برای گسترش شهری در میان نیست.

دولت و نهادهای رسمی در نهادینه کردن اعتبار و ارزش میراث فرهنگی شهری نزد آحاد جامعه و دستگاههای اجرایی مسئول توسعهٔ شهری سهم به‌سزایی دارند. بر برنامه‌ریزان شهری است تا از باستان‌شناسان در برنامه‌های گسترش تأسیسات مدرن استفاده کنند. دولت در اینجا می‌تواند با اعمال قوانین مربوطه روند کار را نظارت و پایش کند.

باستان‌شناسان هم هنگام مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای باید در اولین فرصت مرحلهٔ جملگی اطلاعات لازم به نهادهای ذیربط و و شرکتهای عامل طرحهای عمرانی ارائه کنند. شایسته است که مؤسسات متولی میراث فرهنگی تمام توان علمی برای تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محدودهای باستان‌شناختی و شناخت آنها را بسیج کنند.

این البته بدان معنی نیست که باستان‌شناسان شهری فقط به کاوشهای نجات‌بخشی اکتفا می‌کنند؛ این شعبه از فعالیت‌های باستان‌شناختی می‌تواند و می‌باید در برنامه‌ریزیهای کلان شهری مداخله کند و باستان‌شناس در مقام یک

نیازمندیهای ساکنان خود عرضه می‌کند، همچنین تعامل و تقابل خود را عوامل طبیعی به نمایش می‌نهد.

به سال ۱۹۷۹ برت سالون (Bert Salwen)، هم‌اویی که غالباً همچون پدر باستان‌شناسی شهری امریکا می‌نامندش، فرق اساسی بین دو نوع باستان‌شناسی مربوط به شهر را بیان نمود: باستان‌شناسی در شهر (Archaeology in the city) و باستان‌شناسی شهری (Archaeology of the city). سالون باستان‌شناسی در شهر را کاوش محوطه‌های باستان‌شناختی که هم‌امروز درون شهرهای کنونی مدرن قرار دارند دانست، فارغ از اینکه آن شهرهای امروزی نتیجهٔ توسعهٔ همان محوطه‌های تاریخی باشند یا که تاریخ و سرگذشت مستقلی را تجربه کرده باشند.

در برابر آن، باستان‌شناسی شهری پژوهش دربارهٔ آن دسته از محوطه‌هایی است که وجود آنها با روند گسترش و تاریخی‌شدن شهرهایی که در آن قرار دارند، پیوند خورده است. به بیان دیگر باستان‌شناسی شهری (و باستان‌شناسی یک شهر به‌خصوص)، پژوهش دربارهٔ روند چگونگی شهر شدن و شهر بودن آن شهر است. در نگاه باستان‌شناسی شهری، شهر خود یک پدیدار باستان‌شناختی است که مانند هر پدیدار دیگر قابلیت پژوهش را دارد و دربارهٔ کمیت و کیفیت زندگی و فرهنگ انسانی در گذشتهٔ دور یا نزدیک آگاهی‌بخش است. آنچه در این میان قابل گوشزد می‌نماید اینکه رویکرد باستان‌شناختی به شهرهای نوپدید یا تاریخی در ذات خود رویکردی یکسان است، یعنی روشها و کنشها و الگوها و الگوواره‌های باستان‌شناختی بسته به تاریخی یا نوپدید بودن یک شهر تفاوتی نمی‌کند، نگاه باستان‌شناختی به شهری نوپدید در چهارچوب باستان‌شناسی معاصر می‌گنجد.

باستان‌شناس قبل از آنکه به پژوهش بررسی و کاوش در یک محوطهٔ شهری دست زند، نخست باید مستندات موجود را به دقت ثبت و ضبط کند. نقشهٔ تأسیسات شهری و هم نقشه‌های تاریخی در این زمینه اهمیت بسیاری دارند، چون که روند تحولات و تغییرات شهری را در گذر زمان نمایش می‌دهند. همین‌طور بررسی اسناد، بنچاقها، قباله‌ها، و مدارک آماری و سرشماری نفوس و مسکن برای شناخت میزان دگرگونی در جمعیت هر شهر هم برای برنامه‌ریزی اجرایی پژوهش اولویت دارد.

از مهمترین مشکلات پیش پای پژوهشهای باستان‌شناسی شهری یکی هزینه‌های سنگین آن و اصطکاک با اندامها و

شناسایی و برنامه‌ریزی نموده‌های فرهنگ مادی و میراث فرهنگی در شهرها در کشوری همچون ایران بسیار حیاتی است. ایران سرزمینی با پیشینه بس دیرینه تاریخی است و در بسیاری از شهرهای امروزی آن بقایای بافتها و محدوده‌ها و محوطه‌های تاریخی و پیش از تاریخی دیده می‌شود و این خود از یک سوی علاوه بر اینکه برای باستان‌شناسی گنجینه‌ای پایان‌ناپذیر از دوائر کاویدنی فرهنگی محسوب می‌شود از سوی دیگر به جهت روند پیدایی شهرآسایی و شهریگری نوین، و گسترش شهرهای تاریخی، و زایش شهرهای نوپدید عملاً معضلی به نام باستان‌شناسی شهری را دامن‌گیر مهندسان فرهنگی جامعه و واحدهای عمرانی شهرداریها کرده است، به طور متقابل برای انجام برنامه‌های میدانی باستان‌شناسی در شهرها باستان‌شناسان باید موازین ویژه‌ای در مواجهه با زندگی امروزی مردم شهرها و روان‌شناسی ظریف و بسیار تا بسیار پیچیده جوامع شهری در پیش گیرند تا موجب خدشه و لطمه‌ای به آسایش و آرامش شهرنشینان نشوند.

با پیشرفت روزافزون دانشهای میدانی، شیوه‌های جدیدی به کمک پژوهشگران باستان‌شناسی شهری آمده است و از این طریق می‌توان بی‌آنکه فعالیت‌های سنگین خاکبرداری لازم باشد آگاهی‌های ارزشمندی از مکانهای باستان‌شناختی فراهم آورد؛ شیوه‌هایی همانند عکس برداری‌های هوایی، عکسهای ماهواره‌ای، عکسهای مادون قرمز، دستگاههای سنجش ژئومغناطیس و ژئوالکترونیک، سونداژهای نفوذی در زمین و ...؛ شیوه‌ها و دستگاههای مدرن غالباً بسیار کمک‌رسان روشهای سنتی‌تر بوده است؛ مهمترین فایده این شیوه‌ها صرفه‌جویی در زمان و هزینه است و در جاهایی که خاکبرداری مشکل‌ساز یا ناممکن یا مخرب و یا هزینه‌بر است، جایگزین مناسبی به شمار می‌آید، و آگاهی‌هایی دربارهٔ محدوده مورد پژوهش در اختیار قرار می‌دهد، آگاهی‌هایی مثل جا و امتداد فضاها، سازه‌ها، ساختارها و دیوارها، جای چاه‌ها، خندقها، باروها، خاکریزها، کوره‌ها و تنورها و آنومالی‌های دیگری مانند آنها.

باستان‌شناسی شهری (و هم باستان‌شناسی در شهر!) در ایران امروزی عملاً ناموجود و به دلیل موانع اقتصادی در بسیاری موارد ناممکن است؛ نهادهای رسمی متولی برنامه‌ریزی پژوهشهای باستان‌شناختی توجه چندانی به اهمیت و ارزش این پژوهشها ندارند، از سوی دیگر توان اختصاص بودجه‌های کلان مربوطه، اکنون دیگر برای نهادهای دانشگاهی و پژوهشگاهی فراهم نیست؛ متولیان رسمی میراث

پژوهشگر علوم اجتماعی و رفتاری با تکیه بر آن دسته از تجربیات تاریخی شهرنشینی که در جسم مواد باستان‌شناختی مادیت پیدا کرده، راهکارهای مناسب برای برهم‌کنش فرهنگ مادی، رفتارهای انسان و شناخت محیطی در استقرارگاه بزرگی که شهر نامیده می‌شود مشخص، معین و پیشنهاد کند. در نتیجه، ماحصل دستاوردها پژوهشهای باستان‌شناسی شهری، در کنار نتایج پژوهشهای باستان‌شناسی منظری و محیطی می‌بایست به فهم ما از معنی و روشهای زندگی شهری کمک رساند. اینکه انسان مدرن شهرنشین امروزی که سلف انسان تاریخی و پیشاتاریخی است تا کجا گنجایش و ظرفیت تراکم جمعیت در واحد فضای مسطحه و مربعه را دارد؟

شناخت زیرساختها و شبکه‌های ناپیدای شهرهای تاریخی خود اهمیت بسیاری در شناخت تاریخ اجتماعی شهر دارد و از جمله وظایف باستان‌شناسان شهری است. کاوش و ثبت و ضبط شبکه آبرسانی، شبکه دفع آبهای سطحی و مجموعه مجاری فاضلاب، شیوه‌های دفع ضایعات و خصوصاً محل زباله‌دانهای باستانی و هر آن چیز دیگری که زیرساخت شهر را تشکیل می‌دهد. این بسیار تعیین‌کننده که این مجموعه زیرساختها غالباً در پژوهشهای متعارف رایج و در باستان‌شناسی معطوف به آثار هنری و یادمانهای معماری مورد غفلت واقع می‌شوند ولی دربرگیرنده آگاهی‌هایی هستند که از هیچ طریق دیگر به دست نمی‌آید.

در یک نگاه کلی‌تر اجرای طرح جامع باستان‌شناسی شهری برای ایجاد بستری روشن، مشخص و منظم با هدف نیل به دستاوردهایی لازمه جامعه علمی امروز بایسته است؛ شناخت روندهای تطور و تحول کالبدی و ساختار شهرها در گذر زمان، از لحظه شکل‌گیری تا به امروز برای پیشنهاد راهکارهای علمی، عملی و اجرایی برای حل معضلات شهرنشینی معاصر و تنظیم قوانین و قواعد حفاظت از بافتهای تاریخی، محدوده‌ها و محوطه‌های تاریخی و یادمانهای هویت‌بخش شهری از برای شناخت و حفظ هویت تاریخی و فرهنگی و اجتماعی هر شهر؛ تدوین اساسنامه‌های کارا برای ابداع و تداوم موازنه مثبت میان توسعه شهری نوساخت و بافت تاریخی-فرهنگی، با در نظر آوردن ملزومات زندگی جدید ضمن پایبندی به اصول و ارزشهای فرهنگی بافتار قدیمی و سنتی هر شهر، و حرکت برای شناخت و یاری رساندن به مقدورات اقتصادی شهر برمبنای تعاریف جدید علمی که شهر را همچون یکی از مقاصد اهداف گردشگری ملی و بین‌المللی معرفی می‌کند.

کتمان‌ناپذیر پژوهش‌های باستان‌شناسی شهری در شناسایی و برنامهریزی نمودهای فرهنگ مادی و میراث فرهنگی شهر در آینده نزدیک شاهد اعتنای بیشتری به این مهم باشیم.

### تقدیر و تشکر

نویسندگان از تمامی کسانی که آنها را در نوشتن این مقاله یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

### منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسندگان تهیه شده است.

### تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

فرهنگی در شهرهایی همچون تهران (به عنوان وارث جغرافیایی اقلیم ری باستان)، اصفهان، همدان، تبریز، نیشابور و غیره در بیشتر موارد دفعتاً و به گونه غیربرنامهریزی شده با یافته‌های اتفاقی موضوع باستان‌شناسی در شهر رودرو می‌شوند و به راهکارهای از پیش تعیین‌شده‌ای دسترسی و اشراف تدارند. نهادهای آموزشی نیز اغلب در این زمینه نه دارای تجربه عملی و میدانی کافی هستند و نه دارای تألیفات و انتشارات بسنده...

بدینسان و با نگاه متکی بر واقعیات موجود در جامعه علمی امروز ایران و با نگاهی بر اهم وظایف تعریف شده یا ناشده نهادهای اجرایی میراث فرهنگی کنونی، آینده پژوهش‌های باستان‌شناسی شهری در ایران چندان روشن و امیدوارکننده نیست. شایسته است با توجه به ارزشهای بیشتر ناشناخته ولی



شکل ۱. کاوش در قلمرو شهر نظامی آکوینکوم (Aquincum) در اوبودا (Óbuda) بخشی از بوداپست پایتخت مجارستان، در دهه ۱۹۸۰



شکل ۲. دروازه شرقی قلعهٔ آکونیکوم، یک بنای تاریخی بازسازی شده در یک محیط شهری



شکل ۳. کاوش در بافت تاریخی اصفهان (چهارباغ)، بخشهایی از قهوه‌خانه صفوی / قاجاری



شکل ۴. جزئیات کاوش در بافت تاریخی اصفهان (چهارباغ): (A) اولین حوض در خیابان چهارباغ، روبروی کاخ جهان‌نما؛ (B) چهار جرز کاخ؛ (C) کانال آب برای چهارباغ.



شکل ۵. بقایای یک کشتی دههٔ ۱۷۷۰ که در محل ویرانه‌های مرکز تجارت جهانی در نیویورک یافت شده است



شکل ۶. اسکن لیزری بقایای کشتی در مرکز تجارت جهانی در نیویورک



شکل ۷. حجرة تدفینی که در سال ۲۰۱۳ در زیر پارک میدان واشنگتن نیویورک کشف شده است

### منابعی برای مطالعه بیشتر

Bairstow, Damaris, 1991, "Urban Archaeology: American Theory, Australian Practice", *Australian Archaeology* XXXIII, pp. 52-58. ([www.jstor.org/stable/40287058](http://www.jstor.org/stable/40287058)).

Birmingham, Judy, 1990, "A Decade of Digging: Deconstructing Urban Archaeology", *Australian Journal of Historical Archaeology* VIII, pp. 13-22. ([www.jstor.org/stable/29543256](http://www.jstor.org/stable/29543256)).

Bonnet, Charles, 1985, "Urban Archaeology", *Archaeology* XXXVIII/4, pp. 40-47. ([www.jstor.org/stable/41730221](http://www.jstor.org/stable/41730221)).

Cressey, Pamela J. & John F. Stephens, 1982, "The city-site approach to urban archaeology", In: Roy S. Dickens (ed.), *Archaeology of Urban America: The Search for Pattern and Process, Studies in Historical Archaeology*, New York: Academic Press, pp. 41-61. (<https://doi.org/10.1016/B978-0-12-214980-1.50011-1>).

Crummy, Philip & Roger Terry, 1979, "Seriation Problems in Urban Archaeology", In: Martin Millett (ed.), *Pottery and the Archaeologist*, UCL Institute of Archaeology Publications XVIII, Occasional

publication IV, London: Institute of Archaeology, pp. 49-60.

Dickens, Roy S. & William R. Bowen, 1980, "Problems and Promises in Urban Historical Archaeology", *Historical Archaeology* XIV, pp. 42-57. ([jstor.org/stable/25615368](http://www.jstor.org/stable/25615368)).

Elber-Aviram, Hadas, 2013, "The Past Is Below Us": Urban fantasy, urban archaeology, and the recovery of suppressed history", *Papers from the Institute of Archaeology* XXIII/1:7, pp 1-10. (DOI: <http://dx.doi.org/10.5334/pia.426>).

Garrow, Patrick H., 1984, "The Identification and use of Context Types in Urban Archaeology", *Southeastern Archaeology* III/2, pp. 91-96. ([www.jstor.org/stable/41888714](http://www.jstor.org/stable/41888714)).

Huggett, J. W. & M. A. Cooper., 1990, "The Computer Representation of Space in Urban Archaeology", In: Kris Lockyear et al. (eds.), *CAA 96: Computer Applications and Quantitative Methods in Archaeology*, BAR International Series 845, Archaeopress: Publishers of British Archaeological Reports, pp. 39-42. (<https://core.ac.uk/reader/158278640>).

Mayne, Alan & Tim Murray (eds.), *The Archaeology of Urban Landscapes: Explorations in slumland, New Directions in Archaeology*, Cambridge: Cambridge University Press, xi + 192 pp.

Moore, Andrew, 2009, "Urban Archaeology", *Aperture (The Magazine of Photography and Ideas) CXCVII*, pp. 46-51. ([www.jstor.org/stable/24473411](http://www.jstor.org/stable/24473411)).

Pendery, Steven, 1996, "Urban archaeology", In: Neil Asher Silberman (ed.), *Oxford Companion to Archaeology*, Oxford: Oxford University Press, 4 pp.

Powell, B. Bruce, 1962, "Problems of Urban Archaeology", *American Antiquity XXVII/4*, pp. 580-583. ([www.jstor.org/stable/277686](http://www.jstor.org/stable/277686)).

Richards, Julian D., 1990, "Terrain Modelling, Deposit Survival and Urban Archaeology", *Science and Archaeology XXXII*, pp. 32-38. (<https://core.ac.uk/download/pdf/158278605.pdf>).

Staski, Edward, 1982, "Advances in urban archaeology", *Advances in Archaeological Method and Theory V*, pp. 97-149. (<https://doi.org/10.1016/B978-0-12-003105-4.50008-X>).

Thorpe, Reuben, 2004, "The Devil Is In The Detail: Strategies, Methods and Theory in Urban Archaeology", *Bar International Series 1256*, pp. 87-96.

Vince, Alan, 1995, "Approaches to residuality in urban archaeology", *Interpreting Stratigraphy V*, pp. 9-14. (<https://www.york.ac.uk/archaeology/strat/pastpub/95ch2.pdf>).

مازیار، سپیده و سولماز آذرکیا، ۱۳۹۱، «باستان‌شناسی شهری، راهکاری برای حفظ هویت فرهنگی و تاریخی توأم با رشد و توسعه شهرها»، در: مجموعه مقالات ۱۰ سال باستان‌شناسی ایران، به کوشش: یوسف حسن‌زاده و سیما میری، جلد اول، تهران: انتشارات پازینه با همکاری موزه ملی ایران، ص ۶۱۵-۶۲۹.